

نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه
سال چهارم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۸

ویژه نظام سیاسی افغانستان

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیر مسؤول: داکتر محمد امین احمدی

معاون مدیر مسؤول: داکتر امان الله فصیحی

سر دبیر: داکتر فرید خروش

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

احمد علی علی زاده، دین محمد جاوید، داکتر زکیه

عادلی، داکتر صادق باقری، عبدالحمید عارفی،

داکتر عبدالله شفاپی، علی امیری، داکتر علی محمد

میرزایی، داکتر سید علی مطهری هلمندی، داکتر

غلام سخی احسانی، قربانعلی انصاری، محمد

توسلی غرجستانی، داکتر محمد جواد صالحی،

محمد سرور جوادی، داکتر محمد شفق خواتی،

محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمد قاسم الیاسی ترگانی

صفحه آرا: علی جمعه محمدی

طراح جلد: محمدرضا قربانی

فصلنامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است.

نظرات طرح شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه اندیشه

معاصر نیست.

تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر برای

بنیاد اندیشه محفوظ است.

استفاده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر منبع

مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش مند، مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حداکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تجربی یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

(ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.

۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استنادی در این قسمت خودداری شود.

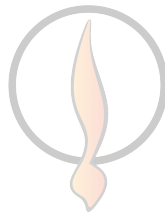
۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار، شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

(ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

- افغانستان؛ عمر کوتاه نظام‌های سیاسی، در جستجوی یک نظام سیاسی با ثبات/ داکتر فرید خروش / ۳
- بررسی منابع مشروعیت نظام پادشاهی در تاریخ افغانستان معاصر/ داکتر امان‌الله شفايي / ۷
- نخستین نظام جمهوری و دستاوردهای آن/ داکتر محمدحسین خلوصی / ۲۷
- نقش و جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی و نظام امارت اسلامی/ سید آصف حسینی / ۴۵
- نظم سیاسی عدالت‌محور/ محمدعلی نظری / ۶۷
- استقلال قوا در قانون اساسی افغانستان/ حسن رضایی / ۸۹
- راه‌کارهای مشارکت سراسری در نظام متمرکز/ عبدالرحمن فهیمی / ۱۳۱
- مؤلفه‌های حقوقی نظام پارلمانی/ غلام‌سخنی علی‌زاده / ۱۳۹
- زمینه‌های انحصار قدرت سیاسی در نظام ریاستی/ محمدعلی حسینی / ۱۵۵
- اصل نمایندگی و چالش‌های ساختاری در نظام سیاسی افغانستان/ محمداسحاق عارفی / ۱۷۵
- تضمین‌های حقوق بشر در نظام سیاسی افغانستان/ عبدالحمید عارفی / ۱۹۱
- دموکراتیزه‌سازی در افغانستان؛ چالش‌ها و فرصت‌ها/ محمد مرید پرتو/ ترجمه: محمدسخنی رضایی / ۲۰۹



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

سخن نخست

افغانستان؛ عمر کوتاه نظام‌های سیاسی، در جستجوی یک نظام سیاسی با ثبات

داکتر فرید خروش*

افغانستان در شمار کشورهایی بوده است که در طی عمر کمتر از ۳۰۰ ساله‌اش انواع نظام‌های سیاسی را تجربه کرده است: پادشاهی استبدادی، پادشاهی مشروطه، جمهوری استبدادی، جمهوری کمونیستی، جمهوری جهادی، امارت اسلامی، و سرانجام نظام جمهوری دموکراتیک مبتنی بر انتخابات و آرای مردم. جدا از تنوع ماهیت نظام‌های سیاسی، عمر حکومت‌ها در افغانستان کوتاه بوده و معمولاً با روی کار آمدن فردی جدید، پایه‌های ساختار نظام حکومت قبلی با خشونت از پای‌بست ویران شده و ساختار جدیدی برپا گردیده است. این ویران‌کردن‌ها و دوباره برپاکردن‌ها حتی در درون نظام پادشاهی که ماهیت یکسان و مشخصی دارد نیز مصداق داشته است.

ظهور و سقوط خشونت‌بار نظام‌های سیاسی در افغانستان یک نتیجه داشته است: بی‌ثباتی ممتد نظام سیاسی و شکل‌نگرفتن حاکمیت قانون. بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی باعث شده است که پادشاهان و حاکمان افغانستان در مدتی که قدرت را در اختیار داشته‌اند، تمام نیروی‌شان صرف حفظ قدرت شود و در نتیجه با توجه به کوتاه بودن متوسط عمر حکومت‌ها، فرصتی برای تطبیق طرح‌های زیربنایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشود. فقر اقتصادی و شکل‌نگرفتن صنعت مدرن به نوبه خود بی‌ثباتی را در تمام سطوح نظام سیاسی تشدید کرده و این چرخه باطل تا به امروز نیز ادامه داشته است.

* تحلیل‌گر سیاسی و استاد دانشگاه.

در بیان بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی افغانستان دلایل متعددی شمرده شده است. تسلط سنت‌های سیاسی قبیله‌ای، شفاف نبودن مرزهای سنت‌های قبیله‌ای با باورهای دینی، استبداد دیرپای سیاسی، اختلافات عمیق قومی و تباری، و آمار بسیار بالای بیسوادی از علل بنیادی است که تأثیر آن بر بی‌ثباتی سیاسی قابل مشاهده است. اما سوال بنیادی‌تری که مطرح می‌شود این است که صرف نظر از آنچه که در گذشته تجربه شده است، در حال حاضر و در آینده چه نوع نظام سیاسی برای افغانستان مناسب است تا هم شاخص‌های منفی نظام‌های سیاسی گذشته را نداشته باشد و هم بتواند معضل بی‌ثباتی سیاسی را حل کند؟

برای جواب به این پرسش باید ریشه‌های عمده‌ترین مشکلات افغانستان واکاوی شود. آنچه که در پنج دهه گذشته به عنوان عمده‌ترین معضلات در مسیر ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی افغانستان تبارز کرده است، «رشد بنیادگرایی» و «تعارضات قومی» بوده است. این دو معضل بنیادی نه تنها بی‌ثباتی سیاسی را در افغانستان تداوم بخشیده، بلکه سرعت توالی تغییر نظام‌های سیاسی را حتی نسبت به گذشته نیز بیشتر کرده است. هر گونه تحلیل چرایی بی‌ثبات بودن نظام‌های سیاسی باید حول محور همین دو عامل صورت گیرد.

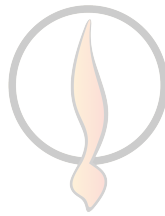
افغانستان بعد از تجربه نظام‌های متعدد و متفاوت سیاسی، در دو دهه گذشته نظام سیاسی دموکراتیک را تجربه کرده است. این نظام سیاسی با پشتوانه وسیع جامعه جهانی روی کار آمد و به باور بسیاری از صاحب‌نظران، مناسب‌ترین نظام سیاسی برای افغانستان چند قومی است. هرچند که نظام سیاسی دموکراتیک نتوانسته بر بی‌ثباتی مزمن سیاسی افغانستان فایق آید، اما دستاوردهای آن برای افغانستان بی‌پیشینه و در شمار نیازهای بنیادی امروز و فردای افغانستان است. برگزاری انتخابات و کسب مشروعیت حکومت و حاکمان از آرای مردم، تفکیک قوا، اهمیت یافتن پارلمان، اهمیت یافتن حقوق بشر و حقوق زنان، آزادی بیان و عقیده، رشد و توسعه رسانه‌های آزاد و غیردولتی، نفوذ بی‌سابقه اینترنت بدون سانسور در زندگی مردم و... دست‌آوردهایی است که تا دو دهه پیش برای شهروندان افغانستان قابل دستیابی به نظر نمی‌رسیدند. هر یک از این فکتورها می‌تواند پاسخگوی بخشی از معضلات چندجانبه امروز و فردای افغانستان باشد و به نوبه خود زمینه را برای استقرار یک نظام سیاسی کارآمد و باثبات فراهم نماید.

پذیرش نظام سیاسی دموکراتیک از یک جانب دیگر برای افغانستان یک امر ناگزیر نیز هست. به عبارت دیگر، افغانستان انتخاب دومی غیر از نظام سیاسی دموکراتیک در اختیار ندارد تا بتواند به تعارض قومی فایق آید، ثبات سیاسی را پایه‌ریزی کند و زمینه را برای برنامه‌های زیربنایی اقتصادی و اجتماعی فراهم نماید. نظام سیاسی دموکراتیک تنها نظام سیاسی است که حقوق اساسی اتباع را،

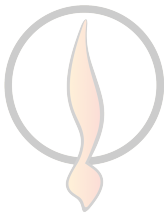
صرف نظر از تفاوت‌های مذهبی و تباری‌شان، در قانون اساسی به رسمیت می‌شناسد و افراتیت را در همه سطوح نفی می‌کند. هرگونه نظام سیاسی دیگر بحران افغانستان را تعمیق کرده و وارد فازهای دیگری خواهد کرد.

با توجه به اهمیت شناخت فراز و فرود نظام‌های سیاسی در افغانستان و تأثیر آن بر عدم استقرار ثبات سیاسی در کشور، فصلنامه اندیشه معاصر شماره شانزدهم خود را به تحلیل و واکاوی ماهیت نظام‌های سیاسی و بخصوص واکاوی نظام سیاسی فعلی افغانستان اختصاص داده است. نظام سیاسی فعلی و مختصاتی که قانون اساسی فعلی افغانستان برای ساختار آن مشخص کرده است، محور اصلی مقالات این شماره را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر ما در حال حاضر در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ سیاسی افغانستان قرار داریم. بعد از بیست سال، یک بار دیگر با طرح پروسه صلح با گروه طالبان، پرسش‌هایی راجع به آینده نظام سیاسی افغانستان نیز مطرح شده است. مقالات این شماره از این منظر نیز حائز اهمیت است تا سیاستمداران با نگاهی جامع به ماهیت و ویژگی‌های نظام‌های سیاسی و مخصوصاً نظام سیاسی فعلی، تصمیماتی را اتخاذ کنند که یک بار دیگر اندوخته‌ها و دست‌آوردهای بنیادین بیست سال گذشته ما دستخوش ویرانی نشود.

سر دبیر



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴